

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نعیم سلیمی
۱۷ فبروری ۲۰۱۹



سقط جنین دموکراسی

منظور از سقط جنین دموکراسی در نوشته حاضر عبارت است از پیشنهاد نسخه شفابخشی از جانب دوکتورین سیاسی ممالک سرمایه داری؛ خاصاً ایالات متحده آمریکا می باشد که بنابر یافته های که من به آنها نایل شده ام؛ فکر می کنم برای اولین بار در ویتنام عملی گردید. البته جای شکی نیست که حلقه حاکم قدرت در ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در قسمت سرنگونی و تغییر رژیم های سیاسی بیشتر از ۵۰ کشور جهان از جمله امریکای لاتین که اکثریت آنها دارای حکومت های منتخبی بوده اند؛ دست داشته است؛ اما به همه حال بسیاری از مواردی که به آنها اشاره نمودیم غالباً در برگرفته نمونه ها و مدل هایی از یکنوع دموکراسی برحالی بودند که وجود خارجی داشته اند. آثار فراوانی اکنون در این راستا انتشار یافته؛ ولی به نظر من زحمات و ریسرچ ژورنالیست شهیر و نام آور استرالیایی به نام "جان پلجر" در این مورد سزاوار نهایت ستایش می باشد که در سال ۲۰۰۷



فلم مستندی را زیر عنوان "جنگ علیه دموکراسی" به این ارتباط تهیه نموده که در همه سایت های انترنیتی؛ من جمله یوتیوب قابل دسترس است.

همچنان لازم به یاد آوری است که ما شاهد وقوع همچو حالتی از تغییر رژیم سیاسی در کودتای سال ۱۹۵۳ ایران بوده ایم که در آن حکومت منتخب محمد مصدق صدراعظم وقت ایران با سازماندهی "سیا" و ارتش ایران سرنگون گردید.

لازم به یاد آوری می دانم این که ایده انتخاب چنین عنوانی "سقط جنین..." برایم زمانی الهام گردید که در این تازگی ها مضمونی را زیر عنوان "تهاجم Tet به مثابه چرخش بزرگ در جنگ ویتنام" در مجله "در دفاع از مارکسیزم" به مناسبت



چهل و مین سالگرد این حمله می خواندم که به نویسندگی "الن وود" منتقد بزرگ سیاسی، مؤرخ و تیوریسن مجله مذکور، به رشته تحریر درآمده بود. منظور از Tet به زبان ویتنامی اشاره به حملات گسترده و قاطعی می باشد که در آن ۷۰.۰۰۰ از سربازان ویتنام شمالی؛ یکجا با جنگجویان جبهه آزادیبخش ملی در ویتنام جنوبی بالای نیروهای امریکائی راه اندازی نمودند که سرنوشت جنگ را در آنکشور تغییر داد؛ چون که این حملات در آغاز سال نو رخداد که بنابر تقویم ویتنامی آن را Tet می نامیدند. گرچه که منظور الن وود از نگارش این مضمون در حاشیه موضوع؛ استخراج نتایج موازی از آن با جنگ عراق می باشد که داخل شدن در آن ایجاب بحث طولانی را می نماید؛ ولی من ضمن مطالعه دقیق و عمیق این مضمون به نکات

جالب دیگری برخورد نمودم که تذکار و شریک سازی آن را با خوانندگان این نیشته اندک لازمی می دانم:

۱- در ماه سپتمبر ۱۹۴۰ قوای جاپان اندونیزیا را اشغال نمود، اما با وجود آنهمه جاپان اجازه داد تا فرانسه حضور اداره استعماری خود را در منطقه حفظ نماید. حرکت نیروهای جاپان به طرف ویتنام جنوبی در ماه جولای ۱۹۴۱ سبب شد تا ایالات متحده امریکا و بریتانیای کبیر تحریم نفت را وضع نمایند که در نتیجه آن کمبود نفت خطر ایجاد زمینه های درگیری جنگ میان امریکا و جاپان را فراهم نمود که در اثر آن نیروهای بحری و هوایی جاپان بالای پایگاه نیروهای بحری امریکا به نام پیرل هاربر Pearl Harbour واقع در منطقه هاوایی به تاریخ ۷ دسمبر ۱۹۴۱ حمله نمود و امریکا نیز در مقابل جاپان اعلان جنگ داد. تذکار این نکته به خاطری ضرور بود تا بدینوسیله انگیزه های تلاش امریکا جهت تسلط بر مناطق کلیدی ستراتیژیک در آسیا و بحرالکاهل وضاحت پیدا نماید. منظور از اتخاذ چنین سیاست ستراتیژیک از جانب امریکا صرفاً متوجه عقب زدن جاپان نه، بلکه در عین حال متمرکز به بیرون راندن نیروهای استعماری کار کشته و کهنه کار امپریالیستی فرانسه و انگلستان از این مناطق نیز بود.

یکی از شگفتی هائی که در این زمان اتفاق افتاد این بود که افراد مربوط به "دفتر خدمات ستراتیژیک امریکا" که در واقعیت سلف پیشین سازمان "سیا" بود یک تیمی را در جنگل های ویتنام شمالی که در آن قرارگاه هوچی مین موقعیت داشت؛ جهت تداوی وی دیسانت نمود. در آنزمان هوچی مین درگیر بیماری جدی ناشی از ملاریا و امراض اقلیم قاره ئی بود که تا به حال بندرت در باره آن سخن زده شده است که از لحاظ درسهای تاریخی جالب است.

۲- نظریه یافته های نویسنده مجله "در دفاع از مارکسیزم"؛ درمی یابیم که بالاخره هوچی مین رهبر فقید مردم ویتنام در نتیجه جنگ های گوریلائی پیگیر که توأم با به دست آوردن حمایت مسکو و بیجینگ که از سال ۱۹۳۰ آغاز گردیده بود؛ به تاریخ ۲ سپتمبر ۱۹۴۵ آزادی و استقلال ویتنام را از استعمار فرانسه اعلان نمود که در نتیجه آن بعد از گذشت ۸۰ سال آفتاب آزادی بر فراز این کشور به تابیدن آغاز نمود. آلن وود به این عقیده است که تمامی زمینه ها برای آزادی مکمل ویتنام و ایجاد وحدت میان شمال و جنوب در ۱۹۴۵ مساعد گردیده بود و نیروهای رزمنده هوچی مین می توانستند با مارش ظفر آفرینی داخل ویتنام جنوبی شوند و زمینه های کامل حمایت توده مردم در جنوب نیز برای این کار مساعد بود؛ اما بنا بر معامله و سازش مسکو - واشنگتن از چنین فرصت تاریخی به خاطر حفظ خاطر شکر رنجانه ایالات متحده امریکا؛ استفاده به عمل نیامد.

۳- مطلب نهائی که جان موضوع را درین نوشتار تشکیل می دهد همانا "سقط جنین دموکراسی" است که در سر آغاز سخن از آن یاد آور شدم . بررسی چگونگی نحوه عملیات جراحی دوکتوران سیاست و خالقان به اصطلاح معاصر دموکراسی که عمر چندین قرنه را در اروپا و جهان دارا می باشند از جمله ناگفته هائیت که تا به حال از بازتاب اندکی برخوردار بوده است . آنچه را که در این قسمت مشاهده می کنید این است چگونه سامان آلات این جراحی در صورت لزوم طفل آبستن در حال تولد خودش را خفه می کند . قابل یاد آوری است که در سال ۱۹۵۶ چنین فضائی فراهم شده بود که حسب آن انتخابات سرتاسری در ویتنام برگزار شود ؛ مگر امریکا با آن مخالفت نمود . **الن وود** در نقل از جنرال آیزن هاور ۳۴مین رئیس جمهور امریکا (۱۹۵۳-۱۹۶۱) که با اقتباس از کتاب وی به نام "فرمانی برای تغییر" می نوسد این که "رئیس جمهور ایزن هاور بعداً گفت که به تصور وی هوچی مین ۸۰ درصد آراء را در صورت برگزاری انتخابات آزاد به دست می آورد "



چنین موضعگیری از جانب امپریالیزم ایالات متحده امریکا بیانگر افتضاحی است که می شود لطیفه زیبای سیاسی را در مورد آن نوشت و آن لطیفه چنین آغاز می گردد : انتخابات بسیار خوب هستند ؛ مگر به شرطی که نتیجه آن تعیین و نصب حکومتی باشند که مورد پسند امریکا بوده و منفعت آن را تأمین کند ؛ در غیر آن این نسخه زیبا را باید درکنج یک گاو صندوقی پنهان کنیم که کسی چهره آن را نبیند . وقتی این سطور را می نوشتم سروده ای از حکیم فردوسی فرزانه خرد و حکمت یادم آمد :

اگر جز به کام من آید جواب من و گرز و میدان افراسیاب

آهان ؛ قبل از این که یادم برود ؛ ما نیز در افغانستان دارای یکنوعی از دموکراسی نیمبند نطفه ئی می باشیم ؛ ولی با تفاوت این که در نمونه ویتنام این نطفه نیرومند به پختگی رسیده بود که در صورت تولد می توانست دارای آغاز خوبی برای یک رژیم دموکراتیک سوسیالیستی باشد که متأسفانه سقط گردید ؛ اما در نمونه و مثال افغانستان این نطفه در بطن جامعه ما پرورش نیافته بود ؛ بلکه از بن به کابل صادر و وارد گردید . تشویش این است که این دموکراسی به مجرد تخلیه قوتهای خارجی سکنه قلبی ننماید و هلاک نشود . جناب اشرف غنی خودش به این حقیقت تلخ اعتراف نمود و او گفت اگر امریکا و غرب برای شش ماه منابع خود را قطع کنند ؛ ما دوام نمی یابیم . شش ماه مدت زمان طولانی است . واقعیت این است که اگر تخلیه همین لحظه اعلان شود ؛ شما یقین کنید که همه این خائنان به وطن را با پاسپورتهایشان در میدان هوایی بین المللی کابل در حالت فرار خواهید دید .

پایان

نوت :

این مضمون برای اولین بار به تاریخ ۲ فیروزی ۲۰۱۸ در سایت فیسبوکی اینجانب و برخی از سایت های دیگر منتشر گردید ؛ بنابراین اشارات و تأکیدات آن در مورد دموکراسی ناکام دولت پوشالی کابل، انکشافات تازه و جدید جلوه های

ناکام این دموکراسی را در ماه میزان سالجاری در بر نمی گیرد که در وقت و زمان معین آن مقالات متعدد این قلم آنها را بازتاب و منعکس نموده است .

با احترام

ن سلیمی